

آموزش فا در کنفرانس فا در استرالیا

(سیدنی، ۳-۲ می، ۱۹۹۹)

لی هنگجی

سلام بر همگی! (تشویق)

در یک چشم به هم زدن یک یا دو سال از آخرین باری که به سیدنی آمدم، گذشته است. آخرین بار موقع کنفرانس فا آمدم. در آن زمان شاگردان زیادی نبودند و مطالعه‌ی دافا محدود به مردم چین می‌شد. اکنون افراد بیشتری هستند، و بعد از مدتی تزکیه، احساس می‌کنم قادر هستم فا را از درون فا بفهمم. همان‌طور که تزکیه می‌کنید، سؤالات زیادی برای پرسیدن دارید که مایلید جواب‌شان را دریافت کنید. احساس کردم در این زمان با آمدن به این کنفرانس، واقعاً می‌توانم به تعدادی از سؤالات پاسخ داده و بعضی از مسائل را برایتان حل کنم. موقع خیلی خوبی بود، بنابراین تصمیم گرفتم بیایم و همه را ببینم.

در مدت این دوره از تزکیه، وضعیت استرالیا نسبتاً خوب بوده است. اگر چه هنوز هم در خصوص اصول فا در تزکیه، درک‌هایی کمتر از [درک و فهمی] روشن وجود دارد، اما موقعیت کلی خوب است. امروز بیشتر می‌خواهم همه را ملاقات کرده و در مورد تعدادی از مشکلات این مسیر بحث و گفتگو کنم. از این‌رو، امروز پس از اتمام سخنرانی، اساساً به سخنان شما گوش فرا خواهم داد و سپس فردا، زمانی را در وقت بعدازظهر، برای پاسخگویی به سؤالات‌تان قرار خواهم داد. می‌توانید هر سؤالی که دارید روی تکه‌ای از کاغذ نوشته و آن را به گروه مربوط به کنفرانس، که آن‌ها را به من می‌دهند، بدهید و من به آن‌ها پاسخ خواهم داد.

یک شرط برای پاسخگویی به سؤالات وجود دارد. من این‌جا برای پاسخگویی به سؤالات شاگردان فالون دافا در رابطه با تزکیه‌شان هستم، نه برای پاسخگویی به سؤالاتی در رابطه با چیزهایی که در جامعه‌ی عادی بشری اتفاق می‌افتد و یا دیگر سؤالات مربوط به جامعه‌ی بشری. به این‌گونه سؤالات نمی‌توانم پاسخ دهم، زیرا در حال حاضر فقط مسئول تزکیه کنندگانم هستم، و نمی‌خواهم درگیر سیاست، سیاست‌گذاری‌ها، یا قوانین و مقررات هیچ کشوری شوم. همان‌طور که این تعهد را می‌پذیرم، مجبورم مسئول مردم باشم و هم‌زمان، مجبورم مسئولیت‌پذیری در برابر جامعه را نیز مورد توجه قرار دهم. توسعه و رشد جامعه‌ی عادی بشری، از پیش تعیین شده است و برطبق قانون خودش به پیش می‌رود، و نمی‌خواهم درگیر چنین چیزهایی شوم.

بعد اجازه دهید در رابطه با چند موضوع بحث کنیم. همگی می‌دانند در هر جا که با شاگردان ملاقاتی داشته‌ام، همیشه درباره‌ی یک موضوع صحبت کرده‌ام، یعنی، به همه می‌گویم که کتاب را بیشتر بخوانند و فا را بیشتر مطالعه کنند. با وجود آن که همه می‌دانند که من در این‌باره صحبت خواهم کرد، هنوز هم در این‌باره سخن خواهم گفت، زیرا اگر بخواهید در دافا رشد کنید، خواندن کتاب و مطالعه‌ی فا بیشترین اهمیت را دارد. اگر دافایی را که امروزه به‌طور عمومی در حال توزیع و گسترش آن هستم به‌عنوان چی‌گونگی معمولی تلقی کنید، پس مرتکب اشتباهی وحشتناک می‌شوید. اگر بدنی سالم و سلامتی می‌خواهید، می‌توانید برای درمان بیماری‌هایتان به بیمارستان بروید، یا از طریق دیگر ابزارهای پزشکی درمان شوید. فکر می‌کنم اگر تنها توجه شما معطوف به سلامتی‌تان است، می‌توانید برای درمان پزشکی به آن‌جا بروید. من بیماری‌ها را شفا نمی‌دهم. شما را به پیمودن یک راه درست تزکیه و یک مسیر روشن هدایت می‌کنم. پول درآوردن از دافا از طریق درمان بیماری‌ها اجازه داده نمی‌شود. من شما را در پیمودن پاک‌ترین مسیر هدایت می‌کنم. برای صعود واقعی از طریق تزکیه، فرد باید در مطالعه‌ی فا ثابت‌قدم باشد.

گفته‌ام که ماده و ذهن یکی هستند. این مسئله که اول ذهن می‌آید یا ماده، به‌طور مرتب برای مدت طولانی در جامعه‌ی فیلسوفان در سراسر دنیا بحث و گفتگو شده است. برای شما مثال‌های زیادی را ارائه کرده‌ام. اکنون می‌دانیم که فکری که هنگام فکر کردن مردم یا تعمق در موضوعی ایجاد می‌شود به‌صورت ماده متجلی می‌شود. پس آیا این ذهن نیست؟ این‌طور می‌شود گفت که، ماده و ذهن یک چیز هستند. کل عالم، از میکروسکوپی‌ترین گرفته تا ماکروسکوپی‌ترین، از کوچک‌ترین گرفته تا بزرگ‌ترین، و ذرات همه‌ی مواد، همه یک خصوصیت ویژه دارند، یعنی جن، شن، رس. پس این جن، شن، رس - ویژگی کیهان - هر جنبه از هر چیزی را در سطوح مختلف کیهان مهار و محدود می‌کند. در حقیقت، ماده از این خصوصیت ویژه‌ی غیرمادی تشکیل شده است. بنابراین، ماده و ذهن یک چیز و مثل هم هستند.

برخی از مردم درک اشتباهی دارند. آنها می‌گویند، "وقتی چی‌گونگ تمرین می‌کنم، فقط چی‌گونگ تمرین می‌کنم، و نیازی نیست که شین‌شینگ خود را ارتقاء دهم یا کتاب‌ها را بخوانم." این حیاتی‌ترین مشکلی است که درباره‌ی آن برای‌تان خواهم گفت. یک نفر با چنین تفکری هرگز قادر نخواهد بود که ترفیع یابد و ممکن نیست که کسی فقط از طریق تمرین چند حرکت چی‌گونگ، از بیماری رها شود. حتی بسیاری از مردم در سرزمین چین این را دریافته‌اند. اگر فا را مطالعه نکنید یا کتاب را نخوانید، اصول زیربنایی را نفهمید، نتوانید استانداردهای اخلاقی‌تان را بالا ببرید، نتوانید شین‌شینگ خود را رشد دهید و شخص خوب و بهتری شوید، پس بیماری‌هایی^۱ خواهید داشت. زیرا انسان‌ها همگی این‌طور هستند و در واقع انسان‌ها بیماری‌هایی دارند، فقط زمانی که ورای مردم عادی بروید، به‌طور واقعی رها از بیماری‌ها خواهید شد. بنابراین فقط با تمرین کمتر یا بیشتر حرکات، غیرممکن است به ورای مردم عادی رفت. فقط از طریق درک واقعی اصول فا، بالا بردن ذهن و قلمروتان و شخص بهتری شدن - شخص خوبی که ورای مردم عادی رفته است، یا به‌عبارت دیگر شخصی خارق‌العاده - به بیماری‌هایی که مردم عادی باید به آن‌ها مبتلا شوند، مبتلا نمی‌شوید. اصل این است. الان درباره‌ی این صحبت کردم که چگونه فقط از طریق شخص بهتری شدن و ورای انسان عادی معمولی امروزه رفتن می‌توانید واقعاً رها از بیماری‌ها شوید. پس، اگر بخواهید به قلمروهای بالاتر تزکیه کنید، آیا نباید شرایط بالاتری هم برای آن باشد؟ رها بودن از بیماری برابر با این نیست که شخص در قلمروهای بالاتر تزکیه می‌کند، بلکه این است که فقط شخص سطح اخلاقی بالاتری نسبت به مردم عادی دارد. آنچه من از شما می‌خواهم انجام دهید این است که ورای مردم عادی رفته و حتی بالاتر صعود کنید - به‌طوری که حتی شخص بهتری باشید، شخصی با ارزش‌های اخلاقی بالاتری باشید. فقط به این صورت می‌توانید از طریق تزکیه صعود کنید.

امروزه برخی از تمرین‌کنندگانی که چینی نیستند، به مطالعه‌ی فا زیاد اهمیت نمی‌دهند و آن‌را خیلی خوب درک نمی‌کنند. آنچه هم اکنون گفتم، شاید چیزها را برای شما روشن کرده باشد. زیرا حرکات چی‌گونگ فقط یک روش تکمیلی تزکیه هستند، آن‌ها مطلقاً نقشی اساسی را ایفا نمی‌کنند. اگر شین‌شینگ شما صعود نکند و قلمرو شما به قلمروی بالاتری ارتقاء پیدا نکرده باشد، مهم نیست چقدر حرکات را تمرین کرده باشید، صعود نخواهید کرد. فقط وقتی شین‌شینگ شما به استاندارد بالا رسیده باشد، می‌توانید ترقی کنید و از بیماری‌ها رها شوید. فقط وقتی خودتان را با الزامات و شرایط بالاتر و بهتری نگاه‌دارید، می‌توانید شخصی شوید که فراتر از مردم عادی رفته است و کسی که دیگر یک فرد عادی نباشد. این بدین دلیل است که افکار، رفتار و اعمال مردم در اجتماع عادی، همان‌طور که همگی می‌توانید مشاهده نمایید، برای منفعت خودخواهانه‌ی‌شان است. آن‌ها به‌شدت خودخواه هستند، حتی تا آن حد که از هر وسیله‌ی لازمی برای نفع شخصی استفاده می‌کنند. هم‌چنین، این دوره‌ی فساد شدید ارزش‌های اخلاقی است. اگر مانند فردی عادی باشید، آیا می‌توانید صرفاً به‌وسیله‌ی تمرین و حرکات، بیماری‌هایتان را معالجه کنید؟ امکان ندارد! اگر مانند فردی عادی باشید، آیا می‌توانید فقط از طریق تمرین حرکات، فردی فوق‌العاده شوید؟ مطلقاً غیرممکن است. بنابراین، همگی باید کتاب را بخوانید! دلیل این است که، وقتی اقلیم معنوی و تفکر شما به استاندارد بالایی نرسیده است، نه بیماری‌های شما معالجه خواهد شد و نه به قلمرو بالاتری می‌رسید. این دلیل آن است که چرا به همه می‌گویم که کتاب را بیشتر و بیشتر بخوانند و درباره‌ی نیاز ضروری به مطالعه‌ی کتاب صحبت می‌کنم.

فا می‌تواند شما را برای پیشرفت به سطوح مختلف راهنمایی کند. این کتاب، *جوآن فالون*، کتابی است که هرکسی را قادر می‌سازد تا به‌طور سازمان‌یافته‌ای تمرین کند، بنابراین آن بیشترین اهمیت را دارد. صرف‌نظر از این که آیا شما یک تزکیه‌کننده هستید یا نه، خواندن *جوآن فالون* شما را قادر خواهد ساخت که بفهمید چگونه باید رفتار کنید. این بدان دلیل است که بشر امروزه با هیچ استاندارد اخلاقی کنترل نمی‌شود و برخلاف روش‌های سنت و روش تفکر قدیمی رفته است. هرچه مردم به واقعیت روبروی‌شان بیشتر اهمیت بدهند، بیشتر سرشت اصلی انسانی - چیزهایی که مادرزادی و بهترین هستند - را رها می‌کنند. مردم بدون کنترل اخلاقی، به‌ر شکل که بخواهند عمل کنند، عمل می‌کنند و این نمی‌تواند اجازه داده شود. انحطاط بشر، انسان را در حال حاضر در خطر وحشتناکی قرار داده است. بعداً در سخنرانی در این باره توضیح خواهیم داد و به سؤالات در این زمینه برای همه پاسخ خواهیم داد.

بعد، در مورد چند مشکل خاص صحبت می‌کنم. در تمرین میان مردم عادی، شخص گاهی اوقات وابستگی‌های زیادی دارد که نمی‌تواند از آن‌ها رها شود؛ این صحبت در خصوص موضوعات خاصی در تزکیه است. بسیاری از افراد وابستگی‌هایشان را رها نمی‌کنند، و حتی وقتی آن‌ها سبب می‌شوند که اشخاص واله و شیفته شده و ذهن روشنی نداشته باشند، باز هنوز این را در نمی‌یابند. در طی هزاران سال، هیچ‌کسی به‌طور حقیقی در مورد این که چگونه به‌طور واقعی تزکیه کرد صحبت نکرده است. همه می‌دانند که تزکیه شامل نشستن با پاها به‌صورت ضرب‌در است. همان‌طور که می‌دانید، زنان مسن بسیاری در روستاهای چین وجود دارند که همه‌ی سال را روی تخت می‌نشینند، لباس می‌دوزند و کفش‌های پارچه‌ای را تعمیر می‌کنند. اگر آن به آسانی [نشستن دائم] بود، پس می‌گویم آن‌ها می‌بایست همگی خدا می‌شدند. آن حالت نشستن صرفاً یک روش تکمیلی است. اگر شما تمرین‌های تزکیه را انجام ندهید و فقط به‌صورت پای ضرب‌دری بنشینید، این به هیچ وجه چیزی نمی‌باشد، زیرا آن‌گاه حتی یک جزء تزکیه هم وجود ندارد. بنابراین، به شما می‌گویم که همان‌طور که تزکیه می‌کنید اصول فا را بفهمید و کتاب را بخوانید. هدف برای شما، صعود به اقلیم‌های بالاتر است. چگونه صعود می‌کنید؟ این از طریق رها کردن افکار بد در میان مردم عادی و به‌عنوان مثال رها کردن ذهنیت رقابت مردم عادی، صورت می‌گیرد. مردم به‌خاطر منفعتی ناچیز و بی‌اهمیت به دیگران آسیب می‌رسانند. با کمی به‌دست آوردن بیش از حد خوشحال می‌شوند و با کمی از دست دادن، رنج و درد می‌کشند، به این خاطر قادر نیستند خوب بخورند یا خوب بخوابند و از سر تا به پا به بیماری‌هایی مبتلا می‌شوند، چه زندگی خسته‌کننده‌ای را می‌گذرانید! آیا انسان‌ها در این دنیا فقط به‌خاطر این وجود دارند؟

اکنون که همگی این نکته را به‌وضوح مشاهده کرده‌اید، پس چرا نمی‌توانید به‌طور واقعی مثل یک تزکیه‌کننده وابستگی‌هایتان را رها کنید؟ به‌طور آشکار و موقرانه‌ای یک تزکیه‌کننده باشید. اغلب گفته‌ام به‌عنوان فردی که در فای راستین تزکیه می‌کنید، اولین چیزی که باید به آن برسید این است که وقتی ضربه‌ای می‌خورید یا توهین می‌شوید، آن را پاسخ ندهید. پس چرا این‌طور است که وقتی در تزکیه با مشکلات و تضادها روبرو می‌شوید، نمی‌توانید این وابستگی را رها کنید؟ وقتی دیگران درباره‌ی شما چیزهایی می‌گویند که خوشایند شنیدن نیست، چرا ناراحت می‌شوید؟ وقتی ناراحت می‌شوید، آیا در قلب‌تان پذیرش این فرصت برای تزکیه و پیشرفت را رد نمی‌کنید؟ آیا به‌سادگی به‌دنبال همان نوع شادی که مردم عادی به‌دنبال آنند نیستید؟ پس آیا شما فردی عادی نیستید؟! در آن موقع باید فکر کنید، "چرا من ناراحتم؟ وقتی دیگران از من انتقاد می‌کنند، من ناراحت می‌شوم - آیا من در طلب چیزی نیستم؟" اما درحالی که می‌خواهید همه با شما رفتاری خوب داشته باشند و در میان مردم عادی زندگی راحتی داشته باشید، چگونه می‌خواهید رشد کنید؟ بدون رها کردن هرچیزی از مردم عادی، چگونه می‌توانید پیشرفت کرده و ارتقاء یابید؟ دقیقاً به همین دلیل نمی‌توانید رشد کرده و ارتقاء یابید. باید به‌طور حقیقی این چیزها را رها کنید - وابستگی‌هایی که انسان‌ها نمی‌توانند آن‌ها را رها کنند.

اما درخصوص این دافا که امروزه تزکیه می‌کنید، این که چگونه مردم با شغل‌های مرسوم جامعه بتوانند تزکیه کنند درحالی که هنوز در جامعه‌ی بشری امروزی [باشند] را کاملاً مورد نظر قرار دادم. بنابراین درحالی که درحال تزکیه‌ی

دافا هستید، می‌توانید شغل‌تان را داشته باشید، می‌توانید کسب و کار خودتان را داشته باشید و می‌توانید زندگی خانوادگی و همه‌ی فعالیت‌های اجتماعی‌تان را داشته باشید. شکل تزکیه و انتشار دافا درون جامعه‌ی عادی، مانع تزکیه‌ی شما نمی‌شود، قبلاً این را به‌طور کامل در نظر گرفته‌ام. دافایی که درحال ارائه‌ی آن هستم مستقیماً قلب و ذهن را نشانه می‌رود و وابستگی‌های شما قرار است در میان منافع مادی از بین برده شوند، اما ضرورتاً به‌طور مادی چیزی را از دست نخواهید داد. این بدان خاطر است که من می‌بینم ماده خودش واقعاً هیچ معنایی ندارد. اگر خیلی زیاد ثروتمند باشید، و خانه‌ی‌تان حتی از آجرهای طلا درست شده باشد، اما در قلب‌تان آن‌را عزیز نشمرده بلکه درعوض آن‌را ساده بگیرید، پس می‌گویم که این حالتی از وابستگی نداشتن به ثروت مادی است. این‌طور می‌توان گفت که الزامات دافا، تغییر یافتن تفکر یک شخص است نه این‌که کاری کند که چیزهای فیزیکی را رها کنید. البته، در رابطه با آزمایش‌های افکار فرد، این نوع آزمایش جدی باید اتفاق بیفتد تا دیده شود طلب کسب مادی در شما چقدر قوی است و دیده شود چه نوع چیزهایی برای شما مهم است. همگی می‌دانند که در میان مریدان دافای ما، مردمی هستند که تجارت می‌کنند و حتی کسانی هستند که درگیر تجارت‌های بزرگی هستند. آن‌ها تزکیه‌کننده هستند، و در محیط شغلی‌شان، افراد خوبی هستند. آن‌ها دروغ نمی‌گویند و مردم را فریب نمی‌دهند، اما کارهای تجاری‌شان خیلی خوب انجام می‌شود. هم‌چنین خودشان را هم‌چون مردم عادی فدا نمی‌کنند- تا حدی که قادر نباشند خوب بخورند یا بخوانند- اما همگی در امور تجاری خیلی خوب کار می‌کنند. این دوره‌ی جاری رکود اقتصادی به‌طور ویژه‌ی آن‌چه را که تزکیه‌کنندگان را متمایز می‌سازد جلوه‌گر می‌کند. چیزهای فوق‌العاده‌ای شبیه این، وقتی شخص به استاندارد برای تزکیه می‌رسد ظاهر خواهد شد.

آنچه هم اکنون درباره‌ی آن گفتم، وابستگی‌ها بودند که مانع تمرین تزکیه می‌شود. وقتی بسیاری از شما، شاگردانم با تضادی روبرو می‌شوید و عصبانی می‌شوید، آیا به این حقیقت فکر کردید که عصبانیت شما متوجه افراد عادی بوده است. در این‌باره بیندیشید: بوداها و خدایان- آن موجودات روشن‌بین باشکوه- آیا آن‌ها از انسان‌ها عصبانی می‌شوند؟ مطلقاً خیر. این بدلیل این است که آن‌ها در سطح انسان‌ها نیستند و احساسات مردم عادی را ندارند. چگونه می‌توانند خود را در میان مردم عادی قرار دهند؟ وقتی با تضادها مشابه روش مردم عادی عمل می‌کنید، پس در همان سطح، در همان قلمرو مردم عادی هستید. می‌توان گفت شما یکی از افراد عادی هستید. فقط زمانی که مانند آن‌ها نیستید، یکی از آنان نیستید. البته در آن هنگام، آنچه نشان می‌دهید بردباری و توانایی عظیم برای بخشیدن خواهد بود. مردم عادی آن‌را این‌طور می‌بینند، ولی در واقع آن تجلی سطح شین‌شینگ شما در تزکیه است. بنابراین، صرف نظر از محیط یا شرایطی که در آن با مشکل روبرو می‌شوید، باید در اداره کردن هر چیزی قلبی بخشنده و مهربان را حفظ نمایید. اگر نتوانید دشمن‌تان را دوست داشته باشید، پس نمی‌توانید به کمال برسید. (تسویقی). پس چرا این‌طور است که وقتی یک فرد عادی شما را عصبانی می‌کند، نمی‌توانید او را ببخشید؟! و در عوض مانند فردی عادی با او جر و بحث و دعوا می‌کنید؟ آیا این رفتارهای متقابل بین تمرین‌کنندگان نیز مصداق ندارد؟

به محض آن‌که اصول به همه‌ی شما آموزش داده می‌شود، آن‌ها را می‌فهمید. آن‌چه به شما می‌گویم، اصول فا است، و آن‌چه برای شما آشکار کرده‌ام دقیقاً کتاب فا است. در مورد این‌که چگونه آن به‌خوبی در عمل اجرا می‌شود، کاملاً بستگی به این دارد که چقدر خوب تزکیه می‌کنید. البته، من می‌توانم به شما کمک کنم، اما آن عمدتاً در جامعه‌ی بشری متجلی نمی‌شود و بسیاری از مردم نمی‌توانند آن‌را ببینند. در تزکیه این‌که کتاب فا را به‌خوبی مطالعه کنید از بیشترین اهمیت برخوردار است. آن به شما کمک می‌کند که وابستگی‌هایی را که نمی‌توانید رها کنید از بین ببرید، شامل بدترین بخش‌ها را.

شما نباید اعتقاد داشته باشید که تصورات و عقایدتان، خود شما هستند. بسیاری از مردم هستند که وقتی فا را مطالعه می‌کنند، با یک نوع عقیده و تصور آن‌را می‌خوانند. چنین شخصی معتقد است، "وای، این بخش خوب است... بگذار ببینم، این بخش را نمی‌توانم خیلی خوب بفهمم... اوه، فکر نمی‌کنم این بخش در حد انتظار باشد." اجازه بدهید به شما

بگویم، شما فکر می‌کنید بسیار باهوش و زیرک هستید، فکر می‌کنید قضاوت‌تان درست است، اما درواقع این یک اشتباه وحشتناک است. قالب ذهنی شما در این جامعه‌ی مردم عادی شکل گرفته، بنابراین معیار شما برای ارزیابی خوب و بد، معیار مردم عادی است و آن احتمالاً نمی‌تواند بالاتر از معیار مردم عادی باشد و بنابراین این، شما را از دیدن جوهر واقعی فا باز می‌دارد. این وابستگی‌های شما است که مانع شما برای کسب فا شما شده است. قسمت‌هایی را که احساس می‌کنید برای خواندن خوب هستند، انتخاب می‌کنید، و تزکیه‌ی واقعی و درست را انجام نمی‌دهید. این بدان دلیل است که وقتی قسمت‌هایی را می‌بینید که فکر می‌کنید خوب نیستند، یا فکر می‌کنید نمی‌خواهید بخوانید، آن دقیقاً عادت‌های بد اکتسابی پس از تولد ذهن است که درحال عمل کردن است. اما آن خود واقعی شما نیست، گرچه آن را به‌عنوان خود واقعی‌تان در نظر می‌گیرید.

چرا این‌گونه است؟ همگی در این‌باره بیندیشید، وقتی یک کودک متولد می‌شود، او هیچ‌یک از تصورات و عقایدی که مردم عادی دارند را ندارد. گفته‌ام که برای کودک زیر شش سال، بعد از این که فقط یک جمله بگویم، چشم سومش می‌تواند چیزها را ببیند. چرا این‌طور است؟ بدان دلیل که او هیچ‌گونه مفهومی از جامعه‌ی عادی را شکل نداده است، و به‌خاطر آن که خیلی خالص و پاک است و در توافق با استانداردهای نخستین کیهان، جن، شن، رن است. به محض آن که در جامعه‌ی عادی به اصطلاح "تجربه" جمع می‌کنید، چارچوبی برای تفکر کسب می‌کنید، آن‌ها را به‌عنوان زرنگی و باتجربگی در میان مردم عادی می‌ستایید، در واقع خودتان را به چیزی کاملاً بد تغییر داده‌اید. و دقیقاً این تصورات و عقاید هستند که باعث می‌شوند با وضعیت حقیقی، جوهر و حقیقت مطلق کیهان، کاملاً ناموافق شوید. از آن‌جایی که این چیزها پس از تولد شما شکل گرفته‌اند، چگونه می‌توانند خود شما باشند؟ معنای "بازگشت به خود حقیقی اصلی" چیست؟ باید خودتان را پاک کنید، و برای این است که بتوانید به پاک‌ترین و خالص‌ترین وضعیت قبل از تولدتان برگردید - وضعیتی که وقتی به چیزی فکر می‌شود هیچ تصور و عقیده‌ای نداشته باشد. آن وضعیت خردمندترین است و اجازه می‌دهد فرد هر چیزی را در دنیا به‌طور شفاف و واضح ببیند. این بدان دلیل است که وقتی هیچ تصور و عقیده‌ای ندارید، بینش شما همه چیز را دربر خواهد گرفت و با یک نگاه می‌توانید بدانید که هر چیزی در دنیا چیست. این خرد است. وقتی درعوض، درحالی که چارچوب‌تان را حفظ کرده‌اید به چیزها نگاه می‌کنید، درون آن‌ها به تله خواهید افتاد. اما چارچوب‌های شما حقیقت مطلق نیستند. ممکن است احساس کنید سطح دانش شما خیلی بالاست و معیارهای‌تان برای ارزیابی درست هستند، اما درواقع آن‌ها درست نیستند. حتی وقتی که به این صورت صحبت می‌کنم، ممکن است قادر نباشید نظر مرا فوراً بفهمید، درک کنید یا با آن موافق باشید. فقط اگر بتوانید واقعاً ذهن‌تان را روی مطالعه‌ی کتاب *جوآن فالون* بگذارید، قادر خواهید بود ببینید که کتاب من واقعاً چیست!

چرا این‌طور است که مردم فوق‌العاده زیادی در چین و در همه جای دنیا [فالون گونگ] را مطالعه می‌کنند؟ فقط در چین نزدیک به ۱۰۰ میلیون نفر از مردم مطالعه می‌کنند، و بسیاری از آن‌ها دانشمند، هوشمندان سطح بالا، دانشمندان اجتماعی، متفکران، کسانی که درگیر تحقیقات فلسفی هستند و حتی مقامات رده بالا هستند. در خارج از چین، تعداد خیلی زیادی دارندگان درجه‌ی دکترا و فوق لیسانس، دانشجویان تحصیل کرده و اساتید، درحال مطالعه‌ی [این روش] هستند. آیا همگی آن‌ها از نظر فکری کودن هستند؟ در جامعه‌ی چینی، به‌ویژه مردم تجارب زیادی دارند، معتقد به روش‌های فکری خاصی بوده‌اند، از انقلاب فرهنگی عبور کرده‌اند و قبلاً اشخاص را بدون فکر ستایش کرده‌اند. درس‌های یادگرفته شده عمیق بودند. آن‌ها هر چیز قابل‌تصور را تجربه کرده‌اند. آیا می‌توانست امکان‌پذیر باشد از چنین مردمی خواسته شود تا به چیزی کورکورانه اعتقاد بیاورند؟! پس چگونه است که درحال یادگیری فا هستند، و چرا آن‌چنان پایدار و مصمم هستند؟ آیا این به شما چیزی را نمی‌گوید؟ این بدان خاطر است که من به همه‌ی آن‌ها می‌گویم که افراد خوبی باشند، افراد خارق‌العاده‌ی بهتری، افرادی سالم، افرادی با کیفیت اخلاقی بالاتر باشند، همه‌ی راه تا این که افرادی شوند که بتوانند به کمال برسند. این طور نیست که کلمات کمی از جانب من، لی هنگ‌جی، می‌تواند مردم را وادار کند که به‌طور غیرمنطقی از من پیروی کنند. همه می‌دانند که دافا به‌طوری آزاد سازماندهی می‌شود. اگر بخواهید آن‌را یاد بگیرید، می‌توانید آن‌را یاد بگیرید. اگر نخواهید یاد بگیرید، می‌توانید آزادانه به هرجایی که از آن‌جا

آمدید برگردید. من هیچ کاری نخواهم کرد. هیچ محدودیتی یا هیچ شکلی از سازمان وجود ندارد و از شما یک ریال هم درخواست نخواهد شد. چرا همگی شما این‌جا کنار هم جمع شده‌اید، تا نقطه‌ای که برای هیچ چیز دیگری راهی نمی‌شدید؟ این افراد افکار و منطق و عقل خودشان را دارند، آیا این‌طور نیست؟ پس چرا مردم معینی نمی‌توانند تصورات و عقایدشان را رها کنند و به‌طور واقعی نگاهی به این کتاب بیندازند؟ نگاهی به آن‌چه که لی هنگجی در حال انجام آن است بیندازند؟ چرا مردم زیادی در این دنیا هستند که این کتاب را مطالعه می‌کنند؟ بعد از خواندن آن شاید آن‌چه را که در حال انجام آن هستیم درک کنید.

زمانی که ابتدا ارائه‌ی این فا را شروع کردم، واقعاً یک نگرانی عظیمی داشتم. همان‌طور که همگی شما می‌دانید، در جامعه‌ی بشری امروز، هیچ مذهبی نمی‌تواند ذهن مردم و استانداردهای اخلاقی انسانی را قادر کند تا دوباره بالا برود. کسانی که با مذاهب سر و کار دارند نیز این را می‌دانند، اما به هر صورت نمی‌توانند درباره‌ی آن کاری بکنند. و چیز بیشتری نیز در این‌باره وجود دارد: امروزه در دنیا حتی یک مجموعه از آموزش‌ها یا مجموعه‌ی اصولی که بتواند اخلاقیات بشریت را قادر کند که دوباره بالا برود، ارزش‌های اخلاقی بشر را قادر کند دوباره شریف و اصیل شود، وجود ندارد، تا چه رسد به این که انسان‌ها را قادر کند تا به نقطه‌ی کمال دوباره بالا بروند. چیز دیگری مانند این در کل دنیا وجود ندارد. پس، در این حالت، بشر در وضعیت بی‌نهایت خطرناکی قرار دارد. اگر دافایی که امروزه در حال ارائه‌ی آن هستیم نمی‌توانست مردم را نجات دهد، پس مردم برای همیشه ورای نجات و رهایی می‌بودند، به‌خاطر آن‌که فایبی بالاتر از فایبی که کیهان را خلق کرد وجود ندارد. وقتی انسان‌ها افکار صالح نداشته و بدون قید اخلاقی باشند، جرأت خواهند کرد هر کار پلیدی را انجام دهند. خدایان به این اجازه نخواهند داد. همگی چیزی را شنیده‌اید- خواه از مذاهب باشد یا پیش‌گویی‌ها یا شکلی از آگاهی قبل از وقوع، از طریق کتاب‌ها یا از طریق کلام- سخن درباره‌ی این که بشر با برخی از انواع فجایع و بلاها مواجه می‌شود. همگی درباره‌ی آن بیندیشید، اگر بشر به این‌صورت که منحط شده به انحطاط ادامه می‌داد، آیا این خطرناک نمی‌بود؟ حتی اگر خدایان برای تنبیه بشر نمی‌آمدند، بشر خودش را می‌کشت. درحقیقت بشر در حال حاضر در حال نابود کردن خودش است، حتی وقتی جنگی نیست در حال نابود کردن خودش است- به‌صورت ناآگاهانه در حال نابود کردن خودش است. آلودگی ناشی از رشد و توسعه‌ی علم و تکنولوژی به محیط طبیعی آسیب رسانده است، و درآینده همه‌ی آب‌ها آلوده و فاسد خواهند شد؛ علم و تکنولوژی بشر به هیچ وجه هیچ راهی برای برگرداندن آب به سطح پاک و خالص اصلی‌اش نخواهد داشت. حتی غذایی که می‌خورید به‌وسیله‌ی تسریع در رشد از طریق کودهای شیمیایی، رشد کرده است. در این‌باره بیندیشید، اگر بشر این‌چنین ادامه می‌داد، هم از نظر شکل و هم از نظر ظاهر پیچیده و منحرف می‌شد. اگر انسان‌ها، انسان‌ها را همانندسازی کنند، آن‌گاه مردم واقعاً شروع به از بین بردن خود بشر خواهند کرد. موجودات فضایی درحالی که جلد انسان‌ها را می‌پوشیدند به‌صورت گروهی تکرار می‌شدند، بدن انسان‌ها را تصرف می‌کردند. نژاد بشری آینده درحالی که از این نوع انسان‌ها پدید می‌آید، بیشتر و بیشتر به تکرار انسان ادامه می‌داد و در انتها به کلی جایگزین بشر می‌شد.

البته، من می‌توانم به‌طور آشکار تمامی مشکلات در دنیا را ببینم، و می‌توانم همه‌ی مشکلات بشر را آشکار کنم. در حال حاضر در حال ارائه‌ی این فا برای خاطر این مشکلاتی که اجتماع بشری با آن‌ها روبروست نیستم. در حال صحبت درباره‌ی این مسائل هستیم تا تزکیه‌کنندگان بتوانند فا را به‌دست بیاورند و صعود کنند. دلیل این کار من این است.

هم‌اکنون درباره‌ی یک مشکل صحبت کردم، و بعد درخصوص مشکل خاص دیگر صحبت می‌کنم. ما افرادی داریم که در حین تزکیه به وابستگی‌هایشان چسبیده و آن‌ها را رها نمی‌کنند. این سبب شده که تضادهایی که با آن‌ها مواجه می‌شوند شدیدتر شده و رنج و عذاب‌هایی که در طول تزکیه باید بر آن‌ها فائق آیند، عظیم‌تر و بزرگ‌تر شوند، باعث شود که قادر نباشند بر آن‌ها غلبه کنند. چنین افرادی بین ما این‌جا نشسته‌اند. این باعث می‌شود که به سمت مخالف برگردند، علیه دافا شکایت داشته باشند- حتی شکایت علیه من. چرا دیگران مانند شما نیستند؟ آیا این بیش از ۱۰۰ میلیون نفر همگی نادانند؟ چرا درباره‌ی این که چه چیزی شما را به این حالت کشاند نمی‌اندیشید. کسانی هستند که دافا

را مطالعه کرده‌اند، و من به آن‌ها گفته‌ام که افراد درست و صالحی باشند، اشخاص خوبی باشند و کارهای بد انجام ندهند، اما آن‌ها هنوز قمار بازی می‌کنند. پس از این که پول از دست می‌دهند برمی‌گردند و دافا را ملامت می‌کنند. آیا به شما گفته‌ام که قمار بازی کنید؟ بلکه درست برعکس: به شما گفته‌ام که نباید قمار بازی کنید و این کارهای بد را انجام ندهید.

همچنین افرادی هم هستند که دافا را تمرین می‌کنند و به محض این که با آسیب و ضررهای غیرقابل انتظار روبرو می‌شوند، دافا را ملامت می‌کنند. آیا درباره‌ی این فکر کرده‌اید که چنین نمونه‌ای را هم در *جوآن فالون* آورده‌ام: شخصی بود که بعد از مطالعه‌ی فا، ناگهان یک روز بیمار شد، به طوری که نشانه‌های لخته‌شدن خون در مغز داشت. نیمی از بدنش بی‌حس شد و نیمی از مغزش فلج شده بود. با این حال، او توانست روز دوم راه برود و به‌طور اساسی بعد از یک هفته کاملاً خوب شد و بهبود یافت. پس از آن به تمرین‌کننده‌ها در محل تمرین گفت: من دافا را تمرین کردم و نیمه‌فلج شدم؛ دیگر تمرین نمی‌کنم. همگی در این باره بیندیشید، اگر او دافا را تمرین نکرده بود، آیا بدین سرعت از نیمه‌فلجی بهبود می‌یافت؟ همگی شما می‌دانید که نیمه‌فلجی او برای چه بود، اما او دافا را مقصر دانست. برخی از افراد لازم است درباره‌ی آن به‌طور جدی بیندیشند. شما با این سختی مواجه شدید، و گفتید که معلم از شما محافظت نکرد. آیا می‌دانید که اگر من از شما محافظت نمی‌کردم، به بدن شما آسیب و زبانی وارد نمی‌شد، اما به احتمال زیاد زندگی‌تان را از دست می‌دادید! آیا این را متوجه می‌شوید؟ من آن‌را تا بدین درجه تقلیل داده‌ام، اما شما هنوز برگشته و دافا را ملامت می‌کنید. این وضعیت جهالتی است که انسان در آن است و خیلی سخت است که او را نجات داد. او نمی‌خواهد بدهی‌اش را که در کیهان خودش به بار آورده است بپردازد. می‌خواهد از هر سختی رها باشد، می‌خواهد درحالی که من همه‌ی آن‌ها را برایش تحمل کنم، کاملاً راحت باشد. آیا این تزکیه است؟ آیا این توانست ذهن شما را ارتقاء بخشد؟ وقتی با این مشکلات مواجه می‌شوید اگر نتوانید همان‌طور که آن‌ها را اداره می‌کنید افکار درست تولید کنید، چگونه می‌خواهید تزکیه کنید؟ چگونه می‌خواهید به مسیرتان ادامه دهید؟ من برای‌تان خیلی زیاد انجام داده‌ام، اما شما دافا را ملامت می‌کنید، من را ملامت می‌کنید، و حتی به من بد دهنی می‌کنید. البته، من در مورد هیچ کسی هرگز شکایت نکرده‌ام. فقط اصول فا را برای همگی مطرح می‌کنم، یک اصل را مطرح می‌کنم. حتی اگر به من بد دهنی کنید، گله‌ای از شما ندارم، چون ذهن من در سطح مردم عادی نیست. خواه بگویید من خوبم یا بد، بگویید من خدا هستم یا یک انسان، من تکان نخواهم خورد، چراکه هیچ افکار انسانی نمی‌تواند مرا تکان دهد. اگر بتوانید به وضعیتی که من دارم برسید، پس زیاد از کمال تزکیه‌تان دور نیستید.

آن فقط یک مثال بود. درحالی که تزکیه می‌کنید، ذهن باید درست باشد. البته، درحالی که به شما می‌گویم درست باشید، ممکن است هنوز درست نباشید. آیا فقط با چند کلمه گفتن من می‌توانید درست باشید؟ تنها چیزی که می‌تواند به شما کمک کند افکار درست را رشد دهد، که می‌تواند شما را قادر سازد از طریق تزکیه بالا بروید - اساسی‌ترین چیز - کتاب فا است. بیش از ۱۰۰ میلیون نفر داریم که درحال تزکیه هستند، بنابراین برای هرکسی امکان پذیر نیست که این‌جا بنشینند همان‌گونه که شما امروز نشستید. برای من صحبت با تک تک شما امکان پذیر نیست. اما من فا را ارائه و پخش کرده‌ام، بنابراین باید مسئول شما باشم. به‌منظور قادر ساختن واقعی شما برای صعود از طریق تزکیه، یک روشی را به‌کار برده‌ام، یعنی، برداشتن آن‌چه که می‌توانم به شما بدهم و آن‌چه که می‌توانم با آن به شما کمک کنم، و فشردن تمامی آن‌ها در کتاب فا. تنها چیزی که باقی مانده این است که ببینیم آیا می‌خواهید آن‌را کسب کنید. به همین دلیل به همگی می‌گویم که وقتی قادر به دیدن من نیستید، باید فا را به عنوان استاد در نظر بگیرید. فا را به‌عنوان استاد در نظر بگیرید.

بعد درباره‌ی مشکل کوچکی صحبت می‌کنم. برخی از شاگردان در حین تزکیه به افراط و تفریط می‌روند. آن‌ها ناگهان به چیزی روشن‌بین می‌شوند و فکر می‌کنند: "اوه، این می‌تواند وابستگی‌های مرا تحریک کند، آن‌را نمی‌خواهم. آن‌را از بین می‌برم. اوه، این شغلی که من دارم می‌تواند وابستگی‌های مرا تحریک کند. از آن استعفا می‌دهم. بگذار ببینم، فکر

کنم از همه چیز اجتناب خواهم کرد." درباره‌ی این بیندیشید: آیا این تزکیه کردن است؟ آیا این رفتن به افراط و تفریط نیست؟ اغلب چیزی می‌گویم، می‌گویم که درحال تزکیه در میان مردم عادی هستید، و باید درحالی که خود را تا بیشترین حد ممکن با شکل مردم عادی تطبیق می‌دهید، تزکیه کنید. این جمله‌ی ساده‌ای نیست، و این‌طور نیست که بتوان گفت فقط از طریق انجام شغل‌تان به‌طور معمول، به استاندارد می‌رسید. در این جمله بیان شده رسیده‌اید. همگی به‌دقت درباره‌ی این بیندیشید. [آنچه که درحال صحبت درباره‌ی آن هستیم] در هر جنبه‌ای از عمل تزکیه‌ی شما متجلی می‌شود. اگر نتوانید در جامعه‌ی مردم عادی [درحالی که از شکل‌های] مردم عادی [پیروی می‌کنید] تزکیه کنید، پس درحال صدمه زدن به این شکل از جامعه‌ی مردم عادی هستید. حتی اگرچه جامعه‌ی عادی خوب نیست، آن نیز توسط دافای کیهان برای موجودات در سطح بشر خلق شد. دقیقاً به‌خاطر همین خصوصیات بدش است که به بشر اجازه‌ی تزکیه در این‌جا داده شده است. آن برای شما است تا بدی‌های انسانی را از بین ببرید و برای شما است تا بالاتر و وری آن بروید، دقیقاً مثل گل نیلوفر آبی که از گل و لای بلند می‌شود- مقدس و پاک. مطلقاً نباید به افراط و تفریط بروید، و مطلقاً نباید فا را به روشی خارج از مسیر درک کنید. وقتی به افراط و تفریط می‌روید، وقتی مایلید انواع و اقسام چیزهای [عادی] را ترک کنید، برای مثال، وقتی از شغل‌تان دست می‌کشید، در واقع درمیان وابستگی دیگری هستید. ترس شما از وابستگی‌ها خودش یک وابستگی را شکل داده است؛ این وابستگی ترسیدن از وابستگی‌ها است.

فقط تا این حد می‌گویم، چراکه پس از چند لحظه شاگردان صحبت و تبادل تجربه خواهند کرد. می‌دانم که در میان حضار تعدادی گزارش‌گر وجود دارد، و احتمالاً از راه دوری آمده‌اند. می‌توانم از مشکلاتی که پشت سر گذاشته‌اید قدرانی نمایم. من، لی هنگجی، نمی‌خواهم به نوعی از شهرت بشری برسیم. فقط می‌خواهم مسئول مریدان و شاگردانم باشم که درحال تزکیه‌ی دافا هستند. هدف من برای آمدن به استرالیا پاسخ به سؤالات درباره‌ی تزکیه برای آنان است، برای آن‌ها امکان‌پذیر سازم که رشد کرده و ارتقاء یابند. اما شما آمده‌اید، و نمی‌خواهم دست خالی بروید. هم‌چون همیشه، شرط من این است که اگر یک گزارش‌گر یک‌بار خواندن کامل *جوآن فالون* را تمام نکرده باشد، با او ملاقات نخواهم کرد. تنها پس از داشتن سطح معینی از دانش درباره‌ی ما، با شما صحبت خواهم کرد. از آن‌جا که آن‌چه ارائه می‌دهم خیلی بزرگ است، مطلقاً نمی‌تواند با تعداد کمی الفاظ، به‌طور آشکار توضیح داده شود. آن‌چه شما می‌خواهید بدانید همگی مسائل جامعه‌ی عادی است. من مایل نیستم به آن‌ها اشاره کنم، چون درحال حاضر کلاً درگیر امور مردم عادی نمی‌شوم. حتی یک‌ذره هم درگیر امور بشری نمی‌شوم. اما شما آمده‌اید، و من امیدوارم بتوانید این‌جا بنشینید و با آرامش به صحبت‌های امروز تمرین‌کنندگان ما گوش دهید و تمام دو روز کنفرانس فا ما را درک کنید. پس از آن، شما را می‌پذیرم و می‌توانید سؤال‌های‌تان را بپرسید. درطول زمان کنفرانس، مطلقاً هیچ‌یک از شما را ملاقات نخواهم کرد، چون چیزهای زیادی برای مراقبت دارم. کنفرانس فای ما به‌منظور کمک به شاگردان است تا به‌طور واقعی رشد کنند، و مطلقاً یک تشریفات نیست، و مطلقاً برای این‌که دیگران درک کنند انجام نمی‌شود. (تسویق)

بسیار خوب، شاگردان میزبانی کنفرانس را ادامه خواهند داد، بنابراین این همه‌ی آن چیزی است که می‌گویم. فردا بعدازظهر تمام وقت به سؤالات همه‌ی شما پاسخ خواهم داد. اکنون در گوش کردن به سخنان شاگردان به شما ملحق می‌شوم.

^۱ یادداشت مترجم: واژه‌ی چینی این‌جا برای "بیماری" می‌تواند محدوده‌ی وسیعی از مشکلات سلامتی را دربر گیرد، شامل کمردرد، ورم مفاصل، مشکلات بینایی و غیره.